

سیاست دینی تعصب آلودی که محمود غزنوی آغاز کرده بود در دوره سلجوقیان به اوج خود رسید. آزادی اندیشه از میان رفت و معتزلیان و رافضیان و باطنیان و قرمطیان و اهل فلسفه مورد پیگرد و آزار قرار گرفتند.^۱ در عصر سلجوقی با ایجاد مراکز علمی و نظارت بر برنامه ریزی این مراکز، علم نیز مانند شعر به انقیاد دولت در آمد.^۲ مذهب اشاعره تقریباً هر نوع آزادی فکر را از بین برد. محیط آلوده به تعصب و روح مذهبی خشک و بی گذشت آن عصر را در سیاست نامه خواجه نظام الملک می توان دید. خواجه بزرگ آشکارا تمام فرق مخالف و تمام عقایدی را که با آرای مقبول دولت مغایرت دارد به شدت می کوبد و با نهایت صلابت همه را متهم به کفر و تیره دلی می کند.^۳ البته به دیانت توجه می شود اما این دینداری در خدمت مشروعیت بخشیدن به اساس قدرت سیاسی است.^۴

در برابر این مایه فشار و تعصب که بر علم و اندیشه سنگینی می کرد واکنش هایی نشان داده می شد و مخالفت هایی ابراز می شد و این مخالفت ها رنگ ها و شکل های متفاوت داشت.^۵ واکنش ناصر خسرو و خیام شکل فرهنگی و اندیشه ای این اعتراض بود.^۶ خیام، هم از نظر شخصیت و هم از نظر تاریخی که در آن می زیسته پدیده ای شگفت و پیچیده است. به

گفته صادق هدایت شاید کمتر کتابی در دنیا مانند مجموعه ترانه های خیام تحسین شده، مردود و منقور بوده، تحریف شده، بهتان خورده، محکوم گردیده، حلاجی شده، شهرت عمومی و دنیا گیر پیدا کرده و بالاخره ناشناس مانده.^۷

اما کوشش و جستجوی محققان ایرانی و اروپایی پرتوی بر زندگی و آثار او انداخته و شناخت نسبی او را ممکن ساخته است. آثار علمی او چاپ شده و درباره ارزش آن آثار داوری شده است. آنچه بخصوص در اینجا مورد توجه است بحثی کوتاه است درباره شعر او.

البته اکنون تصور اینکه خیام سراینده رباعیات غیر از خیام حکیم و ریاضی دان صاحب جبر و مقابله است مردود و بی اساس است.^۸ نجم الدین رازی او را معروف به فضل و حکمت و کیاست معرفی کرده و با نقل دورباعی از او، او را به بیچارگی و سرگشتگی و گم گشتگی فیلسوفان منسوب داشته است.^۹

خیام را در فنون حکمت نظیر ابوعلی سینا دانسته اند^{۱۰} و نوشته اند که در علوم یونان متبحر و در حکمت و نجوم بی قرینه بود.^{۱۱} به هر حال از آنچه درباره او نوشته اند بر می آید که حکیم ریاضی دان و طبیب بوده اما از قرآن و فقه و ادب نیز بهره کافی داشته است. با وجود این آنچه در دنیا مایه شهرت شگفت انگیز او شده است رباعیات او است.

از میان انبوهی از رباعیات که به او نسبت داده اند حدود هفتاد رباعی که در مرصاد العباد، نزهة المجالس،

تاریخ جهانگشا، تاریخ گزیده، مونس الاحرار و چند جنگ معتبر آمده است به احتمال قوی از او است.^{۱۲} پشتوانه این رباعیات اندیشه خردمندی آشنا با فلسفه یونان و سرخورده و آزرده از عوام و رؤسای آنان است. در رباعیات او شک و بدبینی و اغتنام فرصت و عسرت جویی با طعنه به بی خردی و کج فهمی رؤسای عامه ترکیب بدیعی به وجود آورده است و معنی این رباعیات را دقیق و عمیق و لطیف کرده است.

اندیشه شک و بدبینی و اغتنام فرصت که محتوای شعر خیام به آن مشهور است با او آغاز نشده و در اندیشه فیلسوفان یونان که خیام با اندیشه آنان آشنا بوده سابقه دارد. در ادبیات اسلامی از فارسی و عربی نیز پیش از خیام سابقه داشته.^{۱۳} چنانکه گفته اند فردوسی پیش از او و بیش از او این اندیشه را در شعر خود بازتاب داده است. اما این اندیشه در میان پنجاه، شصت هزار بیت شاهنامه مستور مانده و توجه چندانی به آن نشده است. در شعر ابوالعلائی معری اندیشمند شکاک هم که چون خیام جهان را گورستانی بزرگ و ذرات خاک را اندام های خاک شده می دید به فراوانی دیده می شود. نوشته اند که خیام با آثار او آشنایی هم داشته است. اندیشه خوش باشی غنیمت شمردن دم را هم در شعر رودکی و دیگران می توان یافت اما هر چه هست این اندیشه ها در رباعیات خیام تبلور و درخششی خاص یافته که در شعر پیشینیان او نیافته است.

شک خیام چون شک اهل زندقه با استهزای عقاید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کامل احمد نژاد

خیام ، پدیده ای شگفت



و متناسب و آرایش‌های دور از تکلف به این رباعیات
معدود او زیبایی و ارزش خاصی بخشیده است. مثلاً در
رباعی:

هر چند که رنگ و روی زیباست مرا

چون لاله رخ و چو سرو بالاست مرا
معلوم نشد که در طریخانه خاک

نقاش ازل بهر چه آراست مرا^{۱۴}

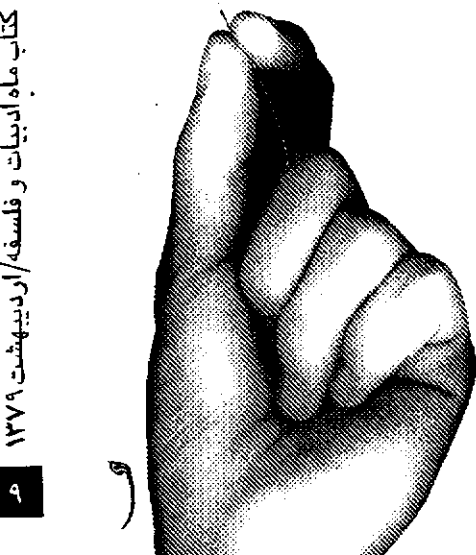
هر چند تشبیه رخ به لاله و قد به سرو معمولی و
تکراری می‌نماید اما تشبیه خاک به طریخانه و استعاره
نقاش ازل بدیع و کم سابقه است. یا در بیت دوم رباعی
آن قصر که جمشید در او جام گرفت

آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر

دیگران همراه نیست بلکه همراه با عاطفه و رقت است.
او نه می‌خواسته مسلکی ایجاد کند و نه می‌خواسته
مریدی دور خود جمع کند. درباره جهان و انسان
اندیشیده و خود را هم در ذرات خاک شده پیشینیان
دیده است و هم در هیئت و حالت آیندگان. از نظر او
سرنوشت انسان‌ها به یک شکل و به یک گونه رقم
خورده است همه انسان‌ها از خاک بر می‌آیند و بر باد
می‌شوند و جهان استمرار این ناپایداری است. او در
اسرار تقدیر خوض می‌کند بر گذشته خط بطلان
می‌کشد و به آینده نیز اعتقاد و امیدی ندارد و تنها دم
گذرا را غنیمت می‌شمارد می‌بین دو عدم.

باید اشاره شود که ارزش رباعیات خیام تنها در
محتوای آن نیست بلکه فصاحت شعر و تصویرهای زیبا



دیدی که چگونه گور بهرام گرفت^{۱۵}
علاوه بر یک جناس تام در «گور و گور» صنعتی به
نام طرد و عکس هم وجود دارد. می توان گفت اگر
ستایشگران غیرایرانی خیام، شیفته محتوای شعر او
هستند هم میهنان و هم زبان‌های او را لفظ و معنی، هر
دو شیفته می‌کنند.

درباره زندگی خیام آنچه به یقین می توان گفت این
است که در نیشابور در خانواده‌ای پیشه ور (خیام =
خیمه‌دوز، خیمه فروش) در قرن پنجم به دنیا آمده و در
اوایل قرن ششم در گذشته است. از نوشته‌های نظامی
عروضی در چهار مقاله و ابوالحسن بیهقی در تتمه
صوان‌الحکمه که در جوانی و نوجوانی خود او را دیده‌اند
برمی آید که مقام علمی شایسته و شخصیتی قابل
ستایش داشته است. اینکه ابله سنجر شاهزاده
سلجوقی را معالجه کرده و در تنظیم تقویم جلالی که در
سال ۴۶۷ ق. صورت گرفته^{۱۶} شرکت داشته است او را
طیب و منجمی والا نشان می‌دهد. او بر محیط علم و
حکمت خویش برتری آشکاری داشته اما در کنار همه
این افتخاراتی که در علم و حکمت نصیب او شده است
به شعر نیز شهرت داشته و از شاعران خراسان شمرده
می‌شد.^{۱۷} از او جز رباعی نیز شعر باقی مانده است.^{۱۸}
از میان همه فضایل او بخصوص رباعیاتش برای او
شهرت شگفت‌انگیز جهانی به ارمغان آورده است.

اندیشه خیامی از عصر او تا زمان ما اندیشمندان و
شاعران را تحت تأثیر قرار داده است. انوری که معاصر
جوانتر او بود رباعیاتی دارد که یاد آور رباعیات خیام
است:
با گل گفتم شکوفه در خاک بخت
گل دیده پر آب کرد از شبنم گفت
آری نتوان گرفت با گیتی جفت
بنمای گلی که ریختن را نشکفت^{۱۹}
خاقانی که ولادتش مقارن وفات خیام بود در
قصیده‌ای که در مرثیه عمومی خود گفته است او را در
حکمت به عمر خیام مانند کرده است:
زان عقل بدو گفته که ای عمر عثمان
هم عمر خیامی و هم عمر خطاب^{۲۰}

جز این در جای جای دیوان خاقانی نیز انعکاسی از
اندیشه خیامی را می توان دید:
گوید که تواز خاکی و ما خاک توایم اکنون
گامی دو سه بر ما نه و اشکی دو سه هم بفشان
خون دل شیرین است آن می که دهد رز بین
ز آب و گل پرویز است آن خم که نهد دهقان^{۲۱}
اندیشه خیامی از مضمون‌های قابل تشخیص در
شعر نظامی هم هست:
هر ورقی چهره آزاده‌ای

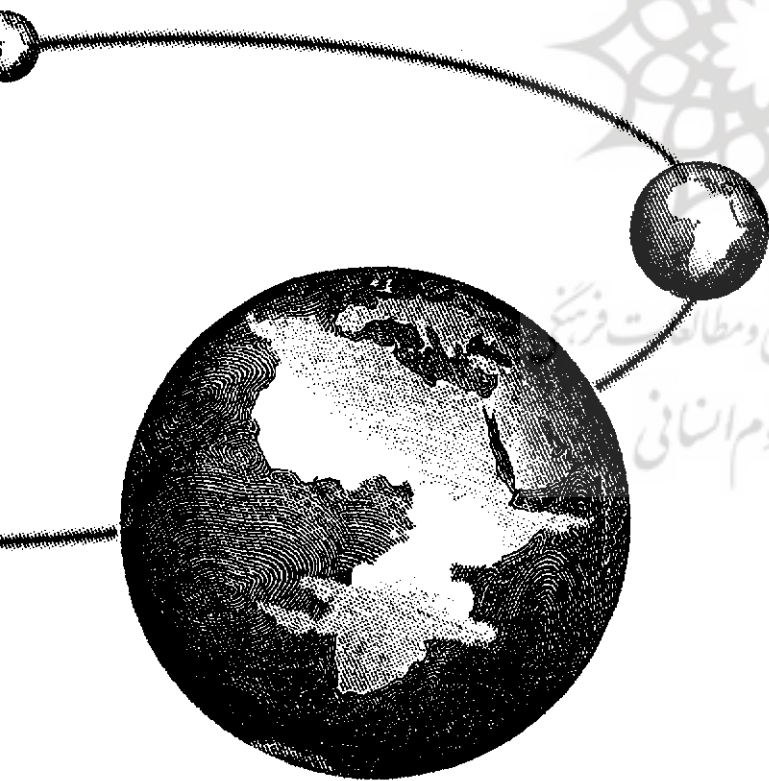
هر قدمی فرق ملک‌زاده‌ای
یا
گر به فلک بر شود از زَر و زور
گور بود بهره بهرام گور^{۲۲}
سراغ اندیشه خیامی را در آثار سعدی هم می توان
گرفت:

زدم تیشه یک روز بر تلّ خاک
به گوش امدم ناله دردناک
که زنهار اگر مردی آهسته تر

که گوش و زبان است و چشم است و سر^{۲۳}
نیز اندیشه خیام را در حافظ آشکارتر می توان دید و
می توان گفت که از مضامین جذاب شعر حافظ بعد از
عرفان و انتقاد اجتماعی همین مضمون خیامی است:
حاصل کارگه کون و مکان این همه نیست
باده پیش آر که اسباب جهان این همه نیست

یا
در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند
آدم بهشت روضه دارالسلام را^{۲۴}
البته این تأثیر منحصر به موارد یاد شده نیست و
بسیار وسیع‌تر از آن است.

با ترجمه آزاد منظومی که ادوارد فیتز جرالده ترجمه و
چاپ‌های متعددی از رباعیات خیام به زبان‌های
مختلف انتشار یافت^{۲۴} و در انگلیس و آمریکا ادبیات
عمری (خیامی) سبک مخصوصی از ادبیات و شعر شده
است.^{۲۵} در شعر معاصر عرب نیز تأثیر اندیشه خیامی را
می توان جستجو کرد به عنوان مثال شعر بسیار مشهور
«ایلیا ایوماضی» با نام «لست ادری» نمونه‌ای از آن
است.



حوادث سال ۴۶۷ ق «فیه جمع نظام الملک والسلطان ملکشاہ جماعه من اعیان المنجمین و جعلوا الفیروز اول نقطه من حمل.

۱۷- با کاروان حله، ص ۱۳۵

۱۸- تاریخ الحکما قفطی، ص ۲۴۴ چهار بیت شعر عربی از خیام نقل شده است:

اذا رضیت نفسی بمیسور بلغة

یحصلها بالکة کفی و ساعدی

أینت تصاریف الحوادث کلها

فکن یا زمانی مؤعدی أومواعدی

أیس قضا الافلاک فی دورها بأن

تعید الی نحس جمیع المساعید

فیا نفس صبراً فی مقبلیک آتما

تخر ذراه بانقضاض القواعد

۱۹- دیوان انوری، تصحیح مدرس رضوی، ج ۲،

ص ۹۳۶

۲۰- دیوان خاقانی، تصحیح دکتر سیدضیاءالدین

سجادی، زوار، ص ۵۸

۲۱- همان، ۹- ۲۵۸

۲۲- تحلیل آثار نظامی گنجوی، دکتر کامل

احمدنژاد، چاپ دوم، انتشارات پایا، ص ۵۸

۲۳- بوستان سعدی، تصحیح دکتر غلامحسین

یوسفی، انجمن استادان فارسی ۱۳۵۹ ص ۱۸۹،

بیتهای ۹- ۳۷۲۸

۲۴- برای تحقیقات مربوط به خیام رجوع شود به:

- چهار مقاله با تعلیقات محمد قزوینی به اهتمام

دکتر معین، زوار ۱۳۳۳ صص ۳۴۶ - ۲۹۲ و درباره

آشنایی اروپائیان با خیام رجوع شود به:

- پانزده گفتار، مجتبی مینوی، انتشارات دانشگاه

تهران ۱۳۳۳، مقاله «گل سرخ نیشابور»، صص ۲۲۸ -

۲۹۹، مقایسه شود با چشمه روشن، دکتر غلامحسین

یوسفی، انتشارات علمی ۱۳۶۹، ص ۱۰۷ و بعد و برای

بحث و نقد مجموعه‌های رباعیات خیام رجوع شود به:

رباعیات خیام (طریخانه)، جلال‌الدین همایی،

نشر هما ۱۳۶۷

۲۵- چهار مقاله، ص ۳۳۰

۹- مرصاد العباد، نجم‌الدین رازی، تصحیح دکتر

محمد امین ریاحی، چاپ دوم انتشارات علمی و

فرهنگی ۱۳۶۹، ص ۳۱

۱۰- نزهة الارواح و روضة الفراح (تاریخ

الحکماء)، مقصود علی تبریزی، به کوشش دانش پژوه -

مولایی، علمی و فرهنگی ۱۳۶۵ ص ۵- ۳۹۴

۱۱- تاریخ الحکماء قفطی، ژولیوس لیبرت،

لابیزیک ۱۹۰۳ م، صص ۲- ۲۴۳

۱۲- رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری،

محمد علی فروغی، ناشر علی اکبر علمی، به خط علی

منظوری حقیقی ص ۳۳ و بعد

۱۳- جام جهان بین، دکتر اسلامی ندوشن، چاپ

چهارم، توس ۱۳۵۵، ص ۱۴۴ و بعد

۱۴- رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری، ص ۷۲

۱۵- همان، ص ۷۲

۱۶- کامل ابن اثیر، علی شیری، داراحیاء التراث

العربی، بیروت ۱۴۰۸ ق - ۱۹۸۹ م، ج ۶ ص ۲۸۶، ذیل

۱- دیوان ناصر خسرو، دکتر جعفر شعار- دکتر کامل

احمدنژاد، نشر قطره ۱۳۷۸، ص ۱۳

۲- تاریخ ادبیات در ایران، یان ریپکا و همکاران،

ترجمه عیسی شهابی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۴،

ص ۲۹۴

۳- با کاروان حله، دکتر عبدالحسین زرین کوب،

چاپ نهم، انتشارات علمی ۱۳۷۴، صص ۴- ۱۳۳

۴- درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در

ایران، سیدجواد طباطبائی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

۱۳۶۸ ص ۲۳ و بعد

۵- دیوان ناصر خسرو، ص ۱۳

۶- تاریخ ادبیات در ایران، ص ۲۹۴

۷- ترانه‌های خیام، صادق هدایت، کتاب‌های

پرستو، چاپ ششم، ص ۹

۸- با کاروان حله، صص ۳- ۴۱۲ مقایسه شود با

حکایت همچنان باقی، دکتر زرین کوب، سخن ۱۳۷۶،

ص ۴۰۲

